

گفته می‌شود مدیران پرسپولیس با اسکوچیچ به توافق نرسیده‌اند

پرواز بی‌ثمر

نازنین دشتی

صدای سوت قطار لیگ بیست‌وپنجم در حالی به دلیل جنگ تانخ ۴۰ روزه خاموش و نیمه‌تمام ماند که پرسپولیس، یکی از سرسخت‌ترین مخالفان این تعطیلی بود.اما حتی برقراری آتش‌بس و آرامش نسبی هم نتوانست تبوتابار دوگاه‌سرخ‌پوشان پایتخت را فرو بنشانند.این روزها، داستان نیمکت پرسپولیس به یک تریلر پر تعلیق تبدیل شده‌است؛روایتی از پروازهای بی‌سرانجام‌اختلافات عمیق مدیریتی و سرمربی‌ای که در سست‌روی لبه تیغ راه می‌رود. مالکان جدید باشگاه، به‌ویژه مقامات ارشد بانک شهر، شمشیر را برای اوسمار ویزا از رو بسته‌اند. عملکرد نامید کننده‌او در نیم‌فصل دوم لیگ ۲۵، باعث شد تا آنها به دنبال یک نام آشنا و مطمئن باشند؛ در اگان اسکوچیچ. پیمان حدادی (مدیر عامل، محسن خلیلی (معاون ورزشی) و امیر علی حسینی (مدیر امور بین الملل) چمدان‌ها را به مقصد ترکیه بستند تا کار را تمام کنند. همه چیز برای یک بمب خبری آماده به نظر می‌رسید، اما شنیده می‌شود در کمال ناباوری، مذاکرات از سرسر جزئیات قرار داد به بن‌بست رسید. تیم مدیریتی پرسپولیس، روز گذشته با دست‌های خالی و بلیت‌برگشت، استانبول را به مقصد تهران ترک کرد تا پروژه جذب اسکوچیچ، حداقل در مقطع فعلی، با شکست مواجه‌شود.

باشکست پروژه اسکوچیچ، ورق را دیگرو به شکلی دراماتیک به سود مرد پزیزی برگشت. اوسمار ویرا که روزگاری در نیم‌فصل دوم لیگ بیست‌وسوم قهرمانانه جام را بالای سر برد، حالا تبدیل به یک چالش بزرگ شده است. حالا همه چیز از اتاق‌های تاریک مذاکره به مستطیل سبز کشیده شده است. امید پرسپولیس برای حضور در رقابت‌های قاره‌ای به یک تور نمئت سه‌جانبه گره خورده است؛ مسابقاتی که نه تنها مسیر صعود به لیگ قهرمانان آسیا را هموار می‌کند، بلکه حکم مرگ و زندگی را برای اوسمار ویرا دارد. طبق برنامه‌ریزی‌های اولیه، پرسپولیس باید در گام اول، روز پنجم تیرماه به مصاف چادرملو اردکان برود. این نبرد، در واقع تلاش مرد پزیزی برای فرار از اخراج احتمالی است در صورت عبور از این سد، سرپوشان در فینال این تورنمنت سه‌جانبه، روز نهم تیرماه رودرروی گل‌گهر سیرجان قرار خواهند گرفت؛ مسابقه‌ای که می‌تواند ضامن قطعی بقای اوسمار روی نیمکت و کسب سهمیه حیاتی آسیا باشد.



اوسمار به‌خوبی می‌داند که این دونبرد، آخرین سنگر اوست. پیروزی در این دو مسابقه سرنوش‌ت‌ساز، هم سهمیه آسیایی را به ارمان می‌آورد و هم منتقدان سرسخت او در هیئت‌مدیره را خلع سلاح می‌کند. در غیر این صورت، با توجه به شکست مذاکرات استانبول، پرسپولیس وارد بحران تازه خواهد شد؛ شاید چمدان‌های گزینشی‌ای دیگر برای سفر به تهران بسته‌شود. آینده نیمکت ملتهب سرخ‌ها، تنها در گرو همین چندروز سرنوش‌ت‌ساز است.

تساوی با بلژیک؛ شاهکاری در برزخ که نباید سطح توقعات را پایین آورد

کدام حماسه؟



آریا طاری

از مصائب، یک شاهکار تمام‌عیار است و باید به تکت‌ک بازیکنان و کادرفنی خسته‌نیاشید گفت. اما بیایید برای یک‌بار هم که شده، از پشت عینک احساسات و هیجانات کاذب به مستطیل سبز نگاه نکنیم. بیایید از این تساوی، یک حماسه پوشالی نسازیم.

بازی با بلژیک، تابلوی تمام‌نمای یک دفاع مطلق بود؛ تاکتیکی که گرچه در نهایت منجر به بسته ماندن دروازه شد، اما قهرمان اصلی آن نه ساختار تیمی، که در خشش بی‌چون‌وچرای یک ستاره بود؛ علیرضا بیرانوند. شماره یک تیم ملی ایران در این مسابقه روز فوق‌العاده‌ای را پشت سر گذاشت و با سیوهای پر تعداد، واکنش‌های نجات‌بخش و خروج‌های بی‌نقصش، با شایستگی کامل عنوان بهترین بازیکن زمین را از آن خود کرد. بیرانوند یک‌تنه با ضعف‌های ساختاری و فشارهای حریف را به دوش کشید. البته فوتبال‌روی دیگرش را هم در لحظاتی به نشان داد. ما در کادرفدای خود فرو

رفته بودیم. ما روی ضد حملات زهرآگین ظاهر شدیم. اوج این زهر، گلی بود که مهدی طارمی به ثمر رساند؛ فریاد شادی که در گلو خفه شد، چراکه تکنولوژی VAR با بی‌رحمی تمام، پرچم افساید را تایید کرد و رویسای پیش‌افتادن از بلژیکر ابر بادیاد. در کنار این گل مردود، تیم ملی دو موقعیت طلایی و نفس‌گیر دیگر هم خلق کرد، اما آن سوی میدان هم دروازه‌بانی در کلاس جهانی به نام تیبو کورتوا ایستاده بود که با درخششی خیره‌کننده، اجازه باز شدن دروازه شیاطین سرخ را نداد. این لحظات نشان داد که ما پتانسیل زدن ضربه‌نهایی را داریم، اما یا استراتژی کلی تیم اجازه شکوفایی مداوم این پتانسیل را می‌دهد؟

اگر بخواهیم نقدی جدی و منصفانه‌به عملکرد تیم ملی وارد کنیم، باید انگشت اتهام را به سوی ۳۰ دقیقه پایانی مسابقه نشانه برویم. در دقیقه ۶۶، اتفاقی افتاد که می‌توانست جریان بازی را کاملاً به سود

ما تغییر دهد؛ اخراج بازیکن بلژیک و ۱۰ نفره شدن حریف. اینجا همان نقطه‌ای بود که انتظار می‌رفت تیمی که به دنبال صعود از گروه است، از پوسته دفاعی خود خارج شود. ما تقریباً نیم ساعت (با احتساب وقت‌های اضافه، یک بازیکن بیشتر از حریف داشتیم، اما خروجی این برتری عددی چه بود؟ هیچ.

بلژیک در این مسابقه، در روزی که برای جبران نتایج گذشته‌اش به شدت به یک برد نیاز داشت، اصلاً در حد و اندازه‌های یک تیم سید اولی ظاهر نشد. نمایش اشفته و سردرگم آنها ثابت کرد که عملکرد ضعیف‌شان در بازی مقابل مصر، یک اتفاق یا یک روز بد نبوده است؛ این تیم به شدت با مشکلات تاکتیکی و روانی دست‌وپنجه نرم می‌کند. با این حال، تیم ملی ما حتی در مقابل یک بلژیک ناماده، خسته و ۱۰ نفره هم توانست در دقایق پایانی فشار موثری بیاورد و آنها را آزار دهد. ما در ۳۰ دقیقه پایانی، به جای استفاده از فرصت طلایی

چاپ: کار و کارگر ۱۷۳۱۷۶۶۸

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee_irani

نشانی سایت: toseeirani.ir

ایمیل: toseeirani@gmail.com

برای کسب سه امتیاز تاریخی، ترجیح دادیم به همان تساوی رضایت دهیم و عقب‌بنشینیم.

عمیق‌ترین و گزنده‌ترین نقد به این مسابقه، نه در نتیجه، بلکه در فلسفه نهفته است. مگر نه اینکه سال‌ها فریاد زدیم از فوتبال واکنش‌گرا و دفاع مطلق خسته شده‌ایم؟ مگر فراموش کرده‌ایم که وقتی کارلوس کی‌روش مقابل اسپانیا آن سیستم تماماً دفاعی و اتوبوسی را پیاده کرد، انتقادها به اوج رسید و قرار شد با تغییرات در کادرفنی، فلسفه فوتبال تیم ملی از دفاع مطلق و دل‌بست‌ن به اتفاقات به فوتبال بازی کردن و مالکیت جسورانه تغییر پیدا کند؟ تساوی مقابل بلژیک دقیقاً با همان شیوه و متدولوژی کارلوس کی‌روش به دست آمد؛ یک دفاع چندلایه، فشرده کردن فضاها، چشم‌امید به درخشش دروازه‌بان و دلخوش بودن به تک‌موقعیت‌های ضد حمله. اگر قرار بود همان فوتبال را بازی کنیم، این همه شعار تغییر نسل و تغییر تفکر برای چه بود؟

باید واقع‌بین باشیم و سطح توقعات را به پهنانه یک مساوی مقابل تیمی بحران‌زده پایین‌یاوریم. در همین جام جهانی، در همین قاره آسیا، می‌بینیم که ژاپن چگونه یقه تیمی مثل هلند را می‌گیرد و با اقتدار بازی می‌کند. می‌بینیم که کره جنوبی چه فوتبال بی‌نظیر، هجومی و چشم‌نوازی را به نمایش می‌گذارد؛ فوتبالی که در آن ترس از نام حریف معنایی ندارد. جوان این مملکت، نسلی که فوتبال را با تمام وجودش می‌فهمد، دیگر از این دستاوردهای جامعه هواداری فوتبال ایران پر شده است از اینکه ببینند بزرگ‌ترین دستاوردش «باخت حداقلی و ابرومندانه» مقابل آرژانتین در ۲۰۱۴

بازی با بلژیک، تابلوی تمام‌نمای یک دفاع مطلق بود؛ تاکتیکی که گرچه در نهایت منجر به بسته ماندن دروازه شد، اما قهرمان اصلی آن نه ساختار تیمی، که در خشش بی‌چون‌وچرای یک ستاره بود؛ علیرضا بیرانوند. شماره یک تیم ملی ایران در این مسابقه روز فوق‌العاده‌ای را پشت سر گذاشت

استعفای نخست‌وزیر، انگلیس را دستخوش بحران سیاسی کرد؛

بروکسل و برگزیت؛ محرک حزب کارگر در مسیر سراسhibی!

رامین یرتو

پس از ماه‌ها گمانه‌زنی درباره آینده سیاسی کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، سرانجام آنچه بسیاری از تحلیلگران پیش‌بینی می‌کردند رخ داد؛ رهبر حزب کارگر در برابر ساختمان شماره ۱۰ داونینگ‌استریز استعفای خود را از نخست‌وزیری و همچنین رهبری حزب کارگرا اعلام کرد. استعفایی که اگرچه پاسخگانی احساسی و تأکید بر «ولایت دادن به منافع کشور» همراه با مردم، واقع حاصل مجموعه‌ای از بحران‌های سیاسی، اقتصادی و حزبی بود که طی ماه‌های اخیر دولت او را در موقعیتی شکننده قرار داده بود.

استارمر در سخنان خود اعلام کرد که صبح همان روز پادشاه را از تصمیمش مطلع کرده‌و از کمیته اجرایی حزب کارگر خواسته است. روند انتخاب رهبر جدید را آغاز کند. بر اساس جدول زمانی اعلام‌شده، معرفی نامزدهای رهبری حزب را ۹ ژوئیه آغاز خواهد شد؛ و تأییش از بازگشایی پارلمان در ماه سپتامبر، رهبر جدید حزب و در نتیجه نخست‌وزیر آینده بریتانیا مشخص می‌شود. او همچنین تأکید کرد که تا زمان پایان روند انتخاب‌جانشین، مسئولیت نخست‌وزیری را بر عهده خواهد داشت تا انتقال قدرت به شکلی منظم انجام‌شود.

اگرچه استارمر در بخش مهمی از سخنان خود از عملکرد دولتش در حوزه‌هایی مانند اقتصاد، افزایش سرمایه‌گذاری، بهبود خدمات درمانی، افزایش واقعیت فضای سیاسی بریتانیا نشان می‌دهد که این دستاوردها نتوانست رضایت افکار عمومی را جلب کند و دولت او به سرعت سرمایه اجتماعی خود را از دست داد.

چرا استارمر مجبور به استعفا شد؟

استعفای کی‌یر استارمر را نمی‌توان صرفاً نتیجه یک تصمیم شخصی دانست، بلکه این اقدام حاصل فشار همزمان افکار عمومی، اعضای حزب کارگر، بحران‌های اقتصادی و رقابت‌های درون حزبی بود.



نخستین عامل، کاهش شدید محبوبیت دولت کارگر بود. شکست سنگین حزب در انتخابات محلی، نخستین زنگ خطر جدی برای استارمر محسوب می‌شد. این شکست نشان داد بخش قابل توجهی از رأی‌دهندگان که در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۲۴ از او امیدتغییر به حزب کارگر آرای داده بودند، اکنون از عملکرد دولت ناامید شده‌اند.

نظر سنجی‌های متعدد نیز حکایت از آن داشت که اگر انتخابات سراسری زودهنگام برگزار شود، حزب کارگر با شکست بزرگی روبه‌رو خواهد شد. این موضوع موجب شد بسیاری از چهره‌های بانفوذ حزب به این نتیجه برسند که حفظ استارمر نه تنها

کمکی به احیای جایگاه حزب نمی‌کند، بلکه احتمال شکست‌های بعدی را نیز افزایش خواهد داد. عامل دوم، اختلافات گسترده در داخل حزب کارگر بود. گزارش‌ها نشان می‌دهد شماری از وزرای ارشد کابینه، از جمله ایوت کوپر، اد میلیبند و شبانه

نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد اکثریت شهروندان انگلیس اکنون معتقدند برگزیت بیش از آنکه منفعت داشته باشد، به اقتصاد و زندگی روزمره آنان آسیب زده است.

بر اساس این نظر سنجی، هزینه‌های زندگی، اقتصاد، فرصت‌های شغلی جوانان، تجارت و حتی مهاجرت غیرقانونی از جمله حوزه‌هایی هستند که از نگاه افکار عمومی تحت تأثیر منفی برگزیت قرار گرفته‌اند. حتی بخش قابل توجهی از رأی‌دهندگان حامی خروج از اتحادیه اروپا نیز اکنون معتقدند نتایج این تصمیم بر خلاف وعده‌های اولیه بوده است.

همین تغییر نگرش باعث شده تمایل به روابط نزدیک‌تر با اتحادیه اروپا افزایش یابد. اکثریت پاسخ‌دهندگان از توسعه همکاری‌های اقتصادی، تجاری و حتی پذیرش آزادی تردد در ازای روابط گسترده‌تر با اروپا حمایت کرده‌اند.

در چنین شرایطی، دولت آینده بریتانیا ناچار خواهد بود سیاست متوازن‌تری در قبال بروکسل اتخاذ کند. هرچند پذیرا گشت رسمی به اتحادیه اروپا در کوتاه‌مدت بعید به نظر می‌رسد، اما احتمال افزایش همکاری‌های اقتصادی، امنیتی و تجاری میان لندن و بروکسل بیش از گذشته خواهد بود.

در حوزه سیاست خارجی نیز تغییر نخست‌وزیر می‌تواند بر روابط بریتانیا با آمریکا، اتحادیه اروپا و ناتو تأثیرگذار باشد. نتایج نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد شهروندان بریتانیا اکنون اروپا را اشریک امنیتی قابل اتکانی نیست به نظر می‌آورند و از توسعه همکاری‌های دفاعی با کشورهای اروپایی استقبال می‌کنند.

از سوی دیگر، رهبر جدید حزب کارگر باید هم‌زمان روابط لندن با واشنگتن را نیز حفظ کند؛ موضوعی که با توجه به تحولات بین‌المللی، جنگ اوکراین، رقابت قدرت‌های بزرگ و تغییر موازنه‌های امنیتی اهمیت مضاعفی پیدا کرده است. در مجموع، استعفای کی‌یر استارمر را باید نقطه عطفی در سیاست معاصر بریتانیا دانست؛ رخدادی که تنها به تغییر یک نخست‌وزیر محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند آغازگر بازآرایی گسترده در معادلات داخلی حزب کارگر، مناسبات لندن با اروپا و حتی آینده سیاست داخلی این کشور باشد. اکنون نگاه‌های رقابت‌رهمبری حزب کارگر دوخته شده است؛ رقابتی که نه تنها بر سر قدرت، بلکه مسیر آینده بریتانیا در سال‌های پیش‌رو را نیز تعیین خواهد کرد.